

بررسی پارامترهای مؤثر بر جذب فلز کادمیوم توسط باکتری هالوموناس (*Halomonas*) جداسازی شده از تالاب میانکاله استان گلستان

چکیده

تالاب‌ها از جمله اکوسیستم‌های حساسی می‌باشند که امروزه به دلیل افزایش جمعیت و ورود پساب صنایع مختلف از قبیل کشاورزی، فلزکاری، پتروشیمی حضور فلزات سنگین مختلف در آن‌ها بالا است. فلزات سنگین به دلیل پایداری و تجمع در جانداران می‌توانند منجر به تأثیرات اکولوژیکی زیادی در تالاب‌ها شوند. باکتری‌ها به دلیل سازگاری با طبیعت و نسبت سطح به حجم بالا برای جذب یون‌های فلزی از محیط آبی مناسب‌اند. در این تحقیق از آب تالاب میانکاله در عمق ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متری از سطح آب در ۵ ایستگاه در مهر ۱۳۹۴ نمونه‌برداری شد. مقاوم‌ترین سویه گرم منفی نسبت به فلز کادمیوم از محیط کشت جداسازی شده بود. جهت تعیین اسیدیته، دما و شوری بهینه برای جذب فلز کادمیوم توسط باکتری *Halomonas* آزمایش‌ها به ترتیب در اسیدیته ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹، در دماهای ۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ درجه سانتی‌گراد و در غلظت‌های ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ درصد کلرید سدیم موردبررسی قرار گرفتند. درنهایت سنجش غلظت کادمیوم باقیمانده در محلول‌ها با استفاده از دستگاه جذب اتمی (مدل AA240FS ساخت شرکت Varian آمریکا) انجام شد. همچنین گروه‌های عاملی مؤثر در جذب کادمیوم با استفاده از طیف‌سنجی FT-IR شناسایی گردید. نتایج نشان دادند این باکتری بهترین رشد را در شوری ۱۰٪ داشته و به غلظت ۶۰ میلی‌گرم بر لیتر کادمیوم مقاوم بوده است. همچنین تحقیق حاضر نشان داد که بهینه جذب فلز کادمیوم توسط این باکتری در اسیدیته ۸، شوری ۵٪ و در دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد است. نتایج آنالیز FT-IR نشان داد که گروه‌های سطحی مؤثر این باکتری در جذب فلز کادمیوم شامل هیدروکسیل، آمید، کربونیل و آلکان می‌باشند. این پژوهش نشان داد باکتری *Halomonas* جاذب زیستی مناسبی جهت حذف فلز کادمیوم از محیط‌های آبی می‌باشد؛ بنابراین، باکتری هالوموناس می‌تواند برای تصفیه پساب‌های حاوی غلظت بالایی از فلز کادمیوم و همچنین در بازیافت این فلز در صنایع مختلف بکار رود.

واژه‌های کلیدی: جذب زیستی، فلز کادمیوم، باکتری هالوموناس، تالاب میانکاله.

مقدمه

حضور فلزات سنگین اثرات سوء اکولوژیک بسیاری را در اکوسیستم‌های آبی و بالأخص در تالاب‌ها که یک محیط آبی بسته‌تری نسبت به دریاها می‌باشند در پی دارد. فلزات سنگین به دلیل پایداری و عدم تجزیه زیستی و در بدن موجودات آبی تجمع یافته و به سطوح بالاتر زنجیره غذایی انتقال می‌یابد که درنهایت ممکن است منجر به آسیب‌های بافتی و یا تشدید عوامل بیماری‌زا در موجودات آبی و بخصوص انسان‌ها گردد. از مهم‌ترین منابع تخلیه فلزات سنگین به محیط‌زیست آبی پساب صنایع مختلفی از قبیل صنایع فلزکاری، نفت و پتروشیمی می‌باشند (Hussein et al., 2009)، در این میان یکی از آلاینده‌های فلز سمی کادمیوم است. وجود این عنصر و ترکیبات آن حتی در مقادیر بسیار کم در صنایع خطرناک است و باید تا حد امکان حذف شود، تاکنون مطالعات گسترده‌ای در مورد روش‌های پاک‌سازی محیط از فلزات سنگین

شیوا شعبان نژاد^۱

فاطمه کاردل^{۲*}

سلیمان احمدی اسب چین^۳

شیلا امیدظهير^۴

۱ و ۴. زیست‌شناسی دریا، دانشکده علوم دریایی،

دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۲. گروه علوم محیط‌زیست، دانشکده علوم پایه،

دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۳. گروه میکروبیولوژی، دانشکده علوم پایه،

دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

*مسئول مکاتبات:

f.kardel@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۹

کد مقاله: ۱۳۹۷۰۴۰۵۵۴

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی

ارشد است.

صورت گرفته است. روش‌های فیزیکی و شیمیایی نظیر تبادل یونی، اسمز معکوس و رسوب‌دهی شیمیایی به‌طور گسترده‌ای برای حذف فلزات بکار گرفته شدند (Mulligan et al., 2001)؛ اما بیشتر این روش‌ها به دلیل پرهزینه بودن، غیرانتخابی بودن و اثربخشی محدود بخصوص در غلظت پایین آلودگی و بعضاً ممکن است تولید ماده آلوده جدیدی نیز بکند (Volesky, 2001). فرآیند جذب زیستی فناوری جدیدی در زمینه حذف آلاینده‌ها از جمله فلزات سنگین بر اساس توانایی میکروارگانیسم‌ها است. میکروارگانیسم‌ها به دلیل توانایی در تثبیت یون‌های فلزی، سازگاری با محیط‌های طبیعی و کم‌هزینه بودن برای فرآیند جذب زیستی بسیار مناسب بوده است (Limcharoensuk et al., 2015). همچنین میکروارگانیسم‌هایی مانند باکتری‌ها، قارچ‌ها و جلبک‌ها به دلیل نسبت بالای سطح به حجم و برخورداری از سطوح فعال جذبی، اندازه کوچک و توانایی رشد بالا جاذب‌های زیستی مناسبی محسوب می‌گردند (Wang and Chen, 2009). باکتری‌ها در بیشتر موارد با دو سازوکار متفاوت نسبت به حذف یون‌های محیط پاسخ می‌دهند: سازوکار وابسته به انرژی متابولیک یا ذخیره‌سازی زیستی که مبتنی بر جذب فعال است و سازوکار غیر وابسته به انرژی متابولیک یا جذب زیستی که در آن جذب به‌صورت غیرفعال و بیشتر از طریق نیروهای فیزیکوشیمیایی صورت می‌گیرد (بخشی و همکاران، ۱۳۸۸). باکتری‌های هالوفیل (نمک دوست‌ها) به دلیل ویژگی‌هایی مانند رشد سریع، نیاز غذایی کم و توانایی استفاده از ماکرومولکول‌های گوناگون به‌عنوان تنها منبع دریافت انرژی و عدم ایجاد آلودگی در محیط‌زیست برای استفاده در فرآیندهای صنعتی مطلوب هستند (Sanchez-por, 2003). این باکتری‌ها میکروارگانیسم‌هایی هستند که قابلیت زنده ماندن در آب شور را دارند. آن‌ها شرایط سخت شوری را تحمل می‌کنند و ظرفیت تنظیم فشار اسمزی را دارند در نتیجه در برابر اثرات تخریبی نمک در محیطشان مقاومت می‌کنند (Das Sarma and Arora, 2001).

فاکتورهای محیطی از جمله دما، شوری و اسیدیته بر رشد میکروارگانیسم‌ها اثر دارند. بر این اساس برخی از میکروارگانیسم‌ها قادر به زندگی در زیستگاه‌هایی با شرایط محیطی به‌شدت متغیر نظیر درجه حرارت‌های بالا و پایین، محیط‌های قلیایی و اسیدی و غلظت‌های مختلف نمک می‌باشند (Ryckeboer et al., 2003).

اسیدیته یکی از مهم‌ترین فاکتورهای محیطی است و نقش مهمی در جذب زیستی دارد. میزان اسیدیته بر فعالیت گروه‌های عاملی در سطح میکروارگانیسم‌ها و در دسترس بودن یون‌های فلزی تأثیر می‌گذارد (Nomanbhay and Palanisamy, 2005). یکی دیگر از پارامترهای تأثیرگذار در جذب زیستی دما است چراکه برخی مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که با افزایش دما، فعالیت یون‌های فلزی در محلول افزایش می‌یابد و در نتیجه به‌راحتی به سطح سلول متصل می‌شوند اما فرآیند جذب معمولاً در دمای بالا به دلیل هزینه‌بر بودن بکار گرفته نمی‌شود (Wang and Chen, 2006). همچنین مطالعات گذشته توسط Kulkarni و همکاران در سال ۲۰۱۴ و Liu و Huang در سال ۲۰۱۳ نشان‌دهنده اهمیت پارامتر شوری بر میزان جذب است که این امر می‌تواند به دلیل رقابت یون‌های کلرید سدیم با یون‌های فلزی در محل اتصال به گروه‌های عاملی باشد (بخشی و همکاران، ۱۳۸۶؛ Amoozegar et al., 2012).

لذا هدف تحقیق حاضر بررسی اثرات پارامترهای اسیدیته، دما و شوری بر پتانسیل جذب فلز کادمیوم توسط باکتری هالوموناس جداسازی شده از تالاب میانکاله استان گلستان می‌باشد.

مواد و روش‌ها

در این تحقیق از باکتری هالوموناس که از آب تالاب میانکاله که در بین عرض‌های جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه الی ۳۶ درجه و ۵۶ دقیقه و ۴۵ ثانیه و طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۲۴ دقیقه و ۵۰ ثانیه الی ۵۴ درجه و ۱ دقیقه و ۲۰ ثانیه و در استان مازندران واقع شده است، در مهر ۱۳۹۴ نمونه‌برداری با استفاده از ظروف استریل در عمق ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متری از سطح آب از ۵ ایستگاه جمع‌آوری و به

آزمایشگاه انتقال داده شدند. سپس در آزمایشگاه خالص سازی شدند. شناسایی باکتری و تعیین گرم آن به وسیله آزمایش های زیر بوده است:

الف) در این مرحله باکتری ها با روش خطی توسط لوپ استریل کشت داده شدند و کلتی های مختلف با استفاده از ریخت شناسی جداسازی شدند. باکتری های جداسازی شده بر سطح لام با گذران از شعله، به ترتیب محلول های کریستال ویوله، لوگول، الکل استون و سافرانین برای مدت ۱ دقیقه، ۱ دقیقه، ۵ تا ۷ ثانیه و ۳۰ ثانیه بر روی نمونه ریخته شده و در پایان هر مرحله، سطح نمونه با آب مقطر شسته شد. نمونه هایی که در زیر میکروسکوپ به رنگ قرمز مشاهده شده بودند به عنوان باکتری گرم منفی انتخاب شدند (Bergey et al., 1939).

ب) آزمایش های شناسایی تست های تشخیصی شامل، حرکت، تولید H_2S ، تولید اندول، TSI، متیل رد، وژر-پروسکوئر، آزمایش سیمون سیترا و ژلاتیناز صورت گرفته است (Jayachandra et al., 2012).

برای به دست آوردن بیومس باکتری منتخب، ابتدا سویه مورد نظر را در محیط کشت اختصاصی نمک دوست ها که حاوی محیط نوترینت براث (Broth nutrient) با غلظت نمکی ۱۰ درصد سدیم کلراید و با pH نزدیک به اسیدیته محیط نمونه برداری تلقیح شد و به مدت ۲۴ ساعت در انکوباتور شیکردار با 180 دور در دقیقه در دمای ۳۰ درجه سانتی گراد قرار داده شد. با سانتریفیوژ کردن محیط کشت با سرعت ۵۰۰۰ دور در دقیقه به مدت ۱۰ دقیقه بیومس باکتری به دست آمد سپس بیومس به دست آمده به وسیله آب دیونیزه (دوبار تقطیر) سه بار شستشو داده شد (Masoumi et al., 2016).

برای بررسی اثر اسیدیته و تعیین اسیدیته بهینه، آزمایش در اسیدیته ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا برای انجام این آزمایش محلولی حاوی ۶۰۵ سی سی آب دیونیزه و ۱۵۰ میلی گرم بر لیتر فلز نیترا کادمیوم و در شوری ۱۰ درصد (کلرید سدیم) آماده سازی شد. سپس ارلن حاوی ۶۰۰ سی سی آب و فلز به ۶ ارلن ۲۵۰ سی سی تقسیم شد و اسیدیته هر کدام از ارلن ها توسط HCl و NaOH ۰/۱ نرمال بر روی ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ تنظیم شد و سپس جهت استریل کردن نمونه ها به مدت ۱۵ دقیقه اتوکلاو شدند. در مرحله بعد بیومس باکتری به نسبت ۱ گرم بر لیتر به ۶ ارلن مذکور افزوده گردید و سپس ارلن ها به مدت یک ساعت در انکوباتور شیکردار با دمای ۳۰ درجه سانتی گراد و ۱۷۰ دور بر دقیقه قرار گرفتند.

جهت بررسی دمای مؤثر، ۴۰۵ سی سی آب دیونیزه و ۱۵۰ گرم بر لیتر فلز نیترا کادمیوم با اسیدیته ۸ تهیه شد. بعد از آن با افزودن کلرید سدیم ۱۰ درصد شوری آن تنظیم شد و در مرحله بعد محلول آماده شده به ۴ ارلن ۲۵۰ سی سی به طور مساوی انتقال داده شد. سپس بیومس باکتری به نسبت ۱ گرم بر لیتر به ارلن ها افزوده گردید و در دماهای ۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ درجه سانتی گراد به مدت یک ساعت در انکوباتور شیکردار با ۱۷۰ دور بر دقیقه گرمادهی شدند.

جهت بررسی شوری مؤثر، ۴۰۵ سی سی آب دیونیزه و ۱۵۰ گرم بر لیتر فلز نیترا کادمیوم با اسیدیته ۸ و دمای ۳۰ درجه سانتی گراد آماده سازی شد. بعد از آن محلول آماده شده به ۴ ارلن ۲۵۰ سی سی به طور مساوی انتقال داده شد و سپس در غلظت های ۵، ۱۰، ۱۵ درصد و ۲۰ درصد کلرید سدیم قرار داده شدند. بیومس باکتری به نسبت ۱ گرم بر لیتر به آن افزوده گردید و بعد در شیکر با ۱۷۰ دور بر دقیقه با دمای ۳۰ درجه سانتی گراد به مدت یک ساعت انکوبه شدند (Shirdam et al., 2006).

تمامی آزمایش های انجام شده در این تحقیق با دو تکرار انجام گردید و از تمامی آزمایش ها یک نمونه شاهد ۵ سی سی بلافاصله بعد از آماده سازی محلول ها و قبل از در معرض قرار گرفتن تیمار در غلظت مورد نظر جدا گردیده و به میزان ۱۰ سی سی بعد از پایان هر آزمایش با استفاده از سرنگ جدا گردیدند. سپس تمامی نمونه های حاصل، از فیلتر با مش ۰/۲۲ میکرومتر عبور داده شدند و سپس میزان کادمیوم باقیمانده در محلول با استفاده از دستگاه جذب اتمی (مدل AA240FS ساخت شرکت Varian آمریکا) با سه تکرار اندازه گیری شدند.

جهت بررسی گروه‌های عاملی سطح سلول باکتری، ابتدا بیومس خشک باکتری بدون فلز و با حضور فلز کادمیوم موردنیاز است. بیومس باکتری به دو قسمت تقسیم شد. یک بخش جهت به‌دست‌آوردن بیومس باکتری بدون حضور فلز، به مدت ۴۸ ساعت در آون با دمای ۴۰ درجه سانتی‌گراد قرار گرفته و خشک شد. بخش دیگر به محلولی حاوی آب دیونیزه و فلز کادمیوم اضافه شد و پس از گذشت مدت‌زمان لازم جهت جذب، سانتی‌فیوژ شده و به مدت ۴۸ ساعت در آون با دمای ۴۰ درجه سانتی‌گراد قرار گرفت و خشک شد. بیومس‌های باکتری (با حضور فلز کادمیوم و بدون حضور فلز کادمیوم) را با پتاسیم برمید خالص و خشک مخلوط کرده و به‌صورت قرص نازک و شفاف درآورده شدند. قرص‌های آماده‌شده جهت شناسایی گروه‌های عاملی با استفاده از دستگاه طیف‌سنج مادون‌قرمز (FT-IR) طیف‌گیری شدند (Masoumi et al., 2016; Zhou et al., 2009).

نتایج

نتایج آزمایش‌های شناسایی و آزمون‌های بیوشیمیایی باکتری منتخب در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: مشخصات مورفولوژی و آزمون بیوشیمیایی باکتری منتخب.

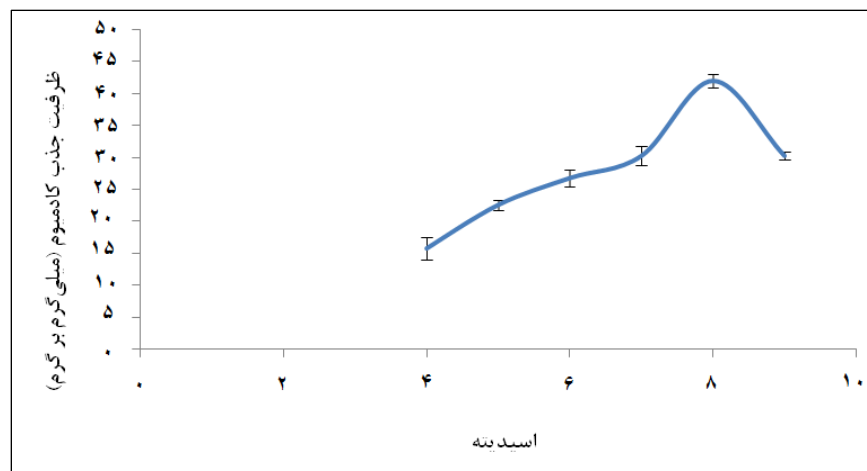
رنگ آمیزی گرم	-
شکل سلولی باکتری	میل‌های
رنگ کلنی	زرد
تولید H_2S	-
حرکت	+
TSI (Triple Sugar Iron)	K/K*
تولید اندول	-
متیل رد	-
وژز-پروسکوئر (Vp)	-**
سیمون سترات	-
هیدرولیز ژلاتین	-

*Alkaline slant/Alkaline butt (K/K)

i.e Red/Red = glucose, lactose and sucrose non-fermenter

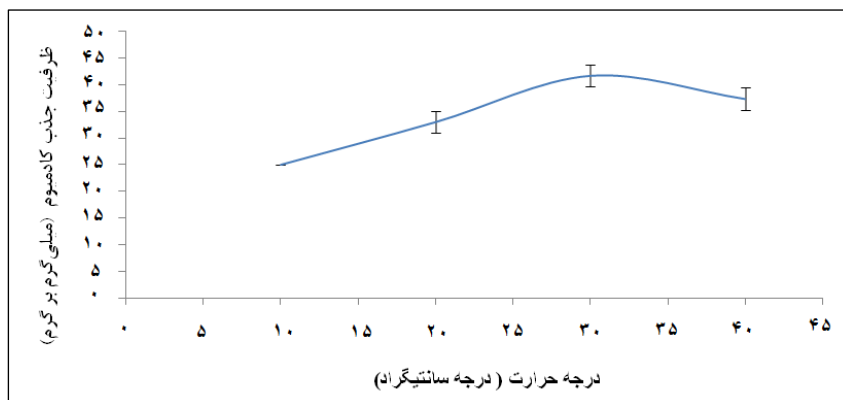
**Negative Reaction: A lack of a pink-red color

نتایج حاصل از تأثیر pH بر میزان جذب کادمیوم در شرایط ثابت (دما = ۳۰ درجه سانتی‌گراد، غلظت اولیه کادمیوم = ۱۵۰ میلی‌گرم بر لیتر، مقدار جاذب = ۱ میلی‌گرم بر لیتر) نشان دادند که کمترین میزان جذب (۱۵/۷۵ میلی‌گرم بر گرم) در pH = ۴ می‌باشد که با افزایش pH ظرفیت جذب کادمیوم نیز افزایش یافت به‌طوری‌که در pH = ۸ بیشترین میزان جذب (۴۲ میلی‌گرم بر گرم) اتفاق افتاد و بعدازآن در pH = ۹ میزان جذب این فلز توسط باکتری منتخب به ۳۵/۲۴ کاهش یافت (شکل ۱). لذا pH = ۸ به‌عنوان pH بهینه انتخاب گردید.



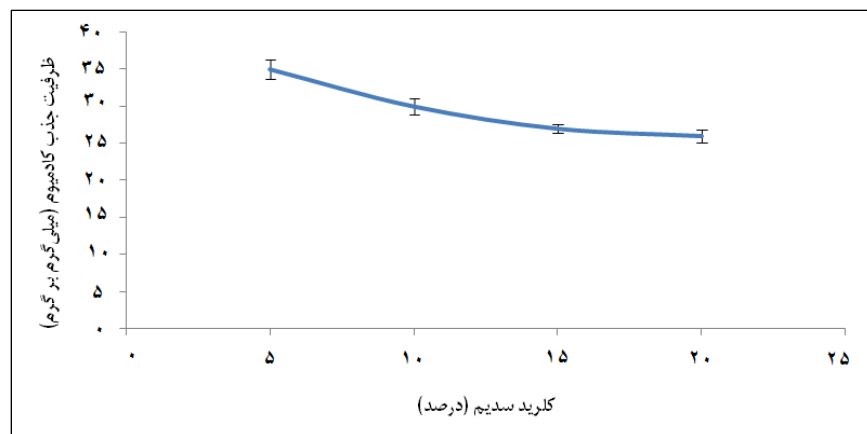
شکل ۱: تأثیر تغییرات pH بر ظرفیت جذب کادمیوم توسط باکتری هالوموناس (*Halomonas*) در تالاب میانکاله در مهر ۱۳۹۴.

در بررسی اثر دما بر میزان جذب کادمیوم در محدوده دمایی ۱۰ تا ۴۰ در شرایط ثابت (pH=۸، شوری ۱۰ درصد، غلظت اولیه کادمیوم = ۱۵۰ میلی گرم بر لیتر، مقدار جاذب = ۱ میلی گرم بر لیتر) با افزایش دما از ۱۰ تا ۳۰ درجه سانتی گراد میزان جذب از ۲۴/۸۶ به ۴۱/۶۶ میلی گرم بر گرم افزایش یافت و سپس در دمای ۴۰ درجه سانتی گراد میزان جذب به ۳۷/۳۰ میلی گرم بر گرم کاهش یافت (شکل ۲)؛ بنابراین جذب بهینه در دمای ۳۰ سانتی گراد می باشد.



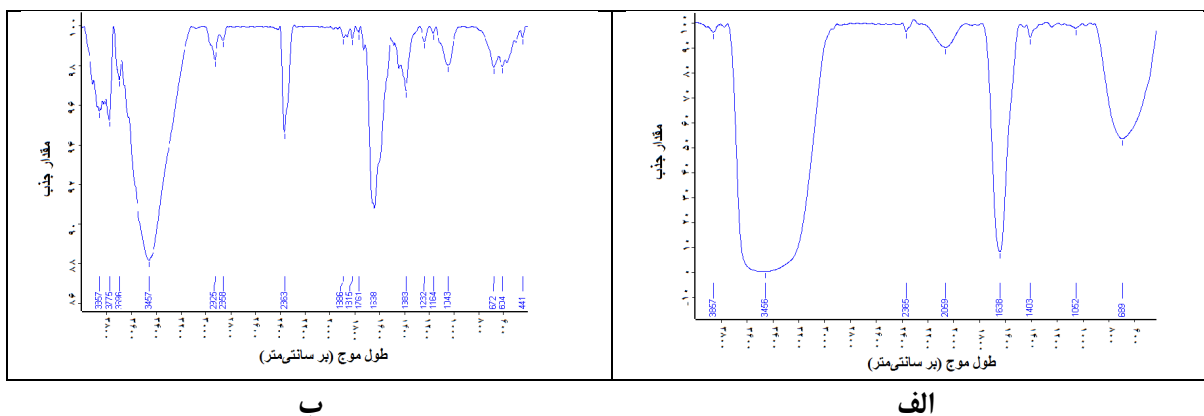
شکل ۲: تأثیر دما بر ظرفیت جذب کادمیوم توسط باکتری هالوموناس (*Halomonas*) در تالاب میانکاله در مهر ۱۳۹۴.

بررسی اثر شوری بر میزان جذب کادمیوم در غلظت های مختلف نمک با مقادیر ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ درصد در شرایط ثابت (pH=۸، دما ۳۰°C، غلظت اولیه کادمیوم = ۱۵۰ میلی گرم بر لیتر، مقدار جاذب = ۱ میلی گرم بر لیتر) نشان داد که بیشترین میزان جذب (۳۵ میلی گرم بر گرم) در نمک ۵ درصد مشاهده شد و بعداز آن روند کاهشی داشته است (شکل ۳).



شکل ۳: تأثیر شوری بر ظرفیت جذب کادمیوم توسط باکتری هالوموناس (*Halomonas*) در تالاب میانکاله در مهر ۱۳۹۴.

گروه‌های عاملی موجود در سطح سلول باکتری منتخب در حضور و عدم حضور فلز کادمیوم در محدوده فرکانس 4000 الی 400 cm^{-1} توسط FT-IR شناسایی گردید (شکل ۴). تغییر شدت در پیک جذب در طول موج‌های 3857 ، 3775 و 3696 cm^{-1} وجود دارد. همچنین باندهای کششی بین طول موج‌های 2700 تا 2950 cm^{-1} نیز مشاهده گردید. باند کششی در نواحی 3457 و 3365 cm^{-1} و پیک جذبی در طول موج‌های 1638 ، 1761 و 1815 cm^{-1} مشاهده گردید. در طول موج‌های 1043 ، 1164 و 1232 cm^{-1} باندهای خمشی وجود دارد (شکل ۴).



شکل ۴: طیف‌سنجی FT-IR باکتری هالوموناس (الف) عدم حضور کادمیوم (ب) در حضور کادمیوم توسط باکتری هالوموناس (*Halomonas*) در تالاب میانکاله در مهر ۱۳۹۴.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بسیاری از محققان درصدد یافتن روش‌های ارزان‌قیمت و مناسب به‌منظور تصفیه پساب‌ها از فلزات سمی و سنگین از جمله کادمیوم می‌باشند تا جایگزین روش‌های پرهزینه و رایج معمولی گردد. به‌طور کلی باکتری‌ها دارای این توانایی می‌باشند، باکتری مورد مطالعه در این تحقیق نیز از این فرایند مستثنی نمی‌باشد، عموماً باکتری‌های گرم منفی دارای پوشش سلولی ویژه‌تری در مقایسه با باکتری‌های گرم مثبت

می‌باشند به‌طوری‌که دارای غشای مضاعف خارجی بوده که دارای لیپوپلی‌ساکارید (Lipopolysaccharides) است و این لایه دارای گروه‌های فعالی نظیر کربوکسیل، هیدروکسیل و آمین می‌باشند و این گروه‌ها به دلیل بار منفی که دارند در جذب کاتیون‌های فلزی از محیط‌های آبی بسیار مؤثر می‌باشند (Mejare and Bulow, 2001; Chang et al., 1997). مطالعات نشان دادند که فاکتورهایی از جمله pH، شوری و دما نقش مهمی در جذب زیستی فلزات ایفاء می‌کنند، اگرچه نوع فلز و نوع باکتری نیز در میزان جذب زیستی مؤثر هستند (Huang and Liu, 2013; Kulkarni et al., 2014).

pH یکی از مؤثرترین فاکتورها در جذب فلزات بر سطح بیوجاذب‌ها است (Huang and Liu, 2013). تحقیق حاضر نشان داد که pH=۸ به‌عنوان pH بهینه جذب فلز کادمیوم توسط این باکتری هالوموناس می‌باشد و با افزایش pH از ۴ به ۸، میزان جذب کادمیوم ۱۶۷٪ افزایش یافت و در pH بالاتر از ۸ میزان جذب دوباره کاهش یافت. این نتایج با مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ بر روی جذب کادمیوم توسط باکتری هالوموناس صورت گرفت که pH بهینه برای فلز کادمیوم ۸ بیان شد مطابقت دارد (Rajesh et al., 2014). در pH های اسیدی به دلیل افزایش غلظت H^+ محیط، رقابتی بین این پروتون و یون‌های Cd^{2+} برای جذب شدن بر روی جاذب وجود دارد و باعث کاهش میزان جذب می‌گردد. با افزایش pH بار منفی بیشتری در سطح باکتری شارژ می‌شود که سبب جذب کاتیون‌های فلزی بیشتری می‌شود. دلیل دیگر افزایش جذب با افزایش pH این است که گونه هیدرولیز شده تعداد هیدروژن کمتری دارد، لذا انرژی کمتری جهت حذف یا جابجایی مولکول‌های هیدراته آب برای اتصال به سطح باکتری صرف می‌شود (Hawari and Mulligan, 2006; Kulkarni et al., 2014). همچنین فلزات سنگین به دلیل حلالیت پایین در محیط‌های قلیایی به‌صورت هیدروکسید فلز رسوب می‌کنند و در نتیجه سبب کاهش جذب می‌شوند (Srivastava et al., 2006; Limcharoensuk et al., 2015; Kulkarni et al., 2014). بنابراین در این تحقیق pH بالای ۸ محلول فلز کادمیوم سبب تشکیل کمپلکس‌های هیدروکسید کادمیوم می‌شود که با جایگاه‌های فعال رقابت می‌کنند.

دما فاکتور دیگری است که بر میزان جذب فلزات توسط بیوجاذب‌ها مؤثر است (Barros et al., 2007). در تحقیق حاضر با افزایش دما از ۱۰ به ۳۰ درجه سانتی‌گراد میزان جذب ۶۷ درصد افزایش پیدا کرد که این امر می‌تواند به دلیل حرکت و برخورد بیشتر و سریع‌تر مولکول‌ها باشد که در افزایش جذب نقش دارد اما با افزایش دما از ۳۰ تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد میزان جذب کاهش پیدا می‌کند که می‌تواند در اثر تغییر شکل فضایی محل‌های جذب در ساختار باکتری در اثر حرارت باشد (Mameri et al., 1999). نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق حاضر با نتایج به‌دست‌آمده توسط پژوهشگران مصری که بر روی جذب زیستی فلز کادمیوم توسط باکتری جداسازی شده از دریای سرخ انجام دادند و دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد را به‌عنوان بهینه جذب انتخاب کردند مطابقت دارد (Moselhy et al., 2013). اغلب مطالعات گذشته دما بهینه برای جذب فلزات توسط باکتری‌ها را ۳۰ درجه سانتی‌گراد انتخاب کردند شاید به دلیل اینکه تولید و تکثیر باکتری در دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد آسان‌تر است (Tabaraki et al., 2013; Kulkarni et al., 2014; Masoumi et al., 2016).

در تحقیق حاضر با افزایش شوری از ۵ به ۲۰ درصد میزان جذب فلز کادمیوم توسط باکتری منتخب ۳۵ درصد افزایش یافت. در تطبیق با یافته‌های تحقیق حاضر، آموزگار و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده کردند باکتری هالوموناس قادر به میزان جذب بالایی از فلز کادمیوم در نمک ۵ درصد است. کاهش جذب با افزایش شوری می‌تواند به دلیل رقابت یون‌های Na^+ با Cd^{2+} در جذب شدن به جایگاه‌هایی در سطح دیواره سلولی باکتری باشد (Amoozegar et al., 2012).

بررسی نتایج طیف‌سنجی مادون‌قرمز سویه منتخب در حضور کادمیوم و عدم حضور این فلز، شدت جذب متفاوتی از گروه‌های عاملی مشابه را نشان داد. گروه‌های عاملی آمیدی ($-NH$)، هیدروکسیل ($-OH$)، کربونیل ($C=O$) پلی‌ساکاریدها که روی لایه پپتیدوگلیکان وجود دارند عمده گروه‌هایی هستند که در اغلب باکتری‌ها سبب واکنش شیمیایی و تبادل یونی بین سلول باکتری با فلزات می‌شوند (Fereidouni et al., 2009). یون‌های کادمیوم نشان دادند که اتصال قوی با لیگاند‌های سولفیدریل، کربونیل و فسفوریل در دیواره سلول باکتری‌ها دارند (Mishra et al., 2010). همچنین یون‌های کادمیوم به دلیل شعاع اتمی نسبتاً بزرگ می‌تواند به‌راحتی با شبکه پلی‌ساکارید دیواره سلول باکتری متصل

گردد (Limcharoensuk *et al.*, 2015). تغییرات در پیک جذب تیز و ضعیف در طول موج‌های ۳۸۵۷، ۳۷۷۵ و 3696 cm^{-1} نشان‌دهنده برهمکنش فلز کادمیوم با گروه‌های آمیدی (-NH) است. باند پهن در طول موج 3457 cm^{-1} به گروه هیدروکسیل (-OH) که باند کششی است اختصاص دارد. همچنین باندهای متغیر بین ۲۷۰۰ تا ۲۹۵۰ مربوط به باند کششی آلکان (C-H) است. پیک متوسط و قوی در طول موج ۱۶۳۸، ۱۷۶۱ و 1815 cm^{-1} مربوط به باند کششی گروه کربونیل (C=O) است که با توجه به تغییر شدت جذب مشاهده شده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این گروه در جذب زیستی فلز کادمیوم بسیار مؤثر بوده است. باند خمشی مشاهده شده در طول موج‌های ۱۰۴۳، ۱۱۶۴ و 1332 cm^{-1} مربوط به گروه (C-H) است که در جذب فلز کادمیوم توسط باکتری هالوموناس نقش چندانی ندارد (Zhou *et al.*, 2009). نتایج آنالیز FT-IR نشان داد که گروه‌های سطحی مؤثر این باکتری در جذب فلز کادمیوم شامل هیدروکسیل، آمید، کربونیل و آلکان بوده است.

با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که باکتری هالوموناس گرم منفی بررسی شده در این تحقیق پتانسیل بالایی جهت جذب فلز کادمیوم از محیط‌های آبی دارد. همچنین می‌توان از نتایج به دست آمده از آزمایش جذب بهینه، نتیجه‌گیری کرد که این باکتری نسبت به اسیدی شدن، دمای بالای ۳۰ درجه سانتی‌گراد و شوری بالای ۵ درصد آب حساس است؛ بنابراین با افزایش گرمایش جهانی که یکی از چالش‌های مهم زیست محیطی امروزه بشمار می‌رود نه تنها می‌تواند جذب زیستی این باکتری‌ها را در محیط آبی به خطر اندازد بلکه تنوع زیستی و غنای گونه‌ای آن‌ها را در درازمدت ممکن است با خطر انقراض روبرو کند یا به حداقل کاهش دهد.

منابع

- احمدی اسب چین، س.، و جعفری، ن.، ۱۳۹۲. مقایسه جداسازی بیولوژیک فلز کادمیوم از پساب توسط باکتری باسیلوس و جلبک فوکوس سراتوس، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، جلد ۱۵: ۱۱۹-۱۲۶.
- بخشی، س.، صعودی، م.، غفوریان، ح.، و احمدی فقیه، م.، ا.، ۲۰۰۷. جذب سزیم توسط باکتری‌های هالوفیل و هالوتولورانت و بررسی اثر فاکتورهای مختلف بر روی جذب، مجله پژوهشی علوم پایه دانشگاه اصفهان، جلد ۲۸: ۱۵-۳۰.
- Amoozegar, M. A., Ghazanfari, N. and Didari, M., 2012. Lead and cadmium bioremoval by *Halomonas* sp., an exopolysaccharide-producing halophilic bacterium. *Progress in Biological Sciences* 2(1): 1-11.
- Barros, A. J. M., Prasad, S., Leite, V. D. and Souza, A. G., 2007. Biosorption of heavy metals in upflow sludge columns. *Bioresource technology* 98(7): 1418-1425.
- Bergey, D. H., Breed, R. S., Murray, E. G. D. and Hitchens, A. P., 1939 *Bergey's Manual of Determinative Bacteriology*. 5th ed. The Williams and Wilkins Co., Baltimore.
- Chang, J.S., Law, R. and Chang, C. C., 1997. Biosorption of Lead, Copper and Cadmium by biomass of *Pseudomonas aeruginosa* PU21. *Water Research*, 31: 1651-1658.
- Hawari, A. H. and Mulligan, C.N., 2006. Biosorption of lead(II), cadmium(II), copper(II) and nickel(II) by anaerobic granular biomass. *Bioresource Technology* 97:692-700.
- Huang, W. and Liu, Z. M., 2013. Biosorption of Cd(II)/Pb(II) from aqueous solution by biosurfactant-producing bacteria: Isotherm kinetic characteristic and mechanism studies. *Colloids and Surfaces B: Biointerfaces* 105: 113-119.
- Hussain, M. A., Salleh, A. and Milow, P., 2009. Characterization of the adsorption of the Lead (II) by the nonliving biomass *Spirogyra neglecta* (Hasall) Kützing. *American Journal of Biochemistry and Biotechnology* 5(2): 75-83.
- Jayachandra, S. Y., Kumar, A., Merley, D. P. and Sulochana, M. B., 2012. Isolation and characterization of extreme halophilic bacterium *Salinicoccus* sp. JAS4 producing extracellular hydrolytic enzymes. *Recent Research in Science and Technology* 4(4).
- Kulkarni, R.M., Shetty, K.V. and Srinikethan, G., 2014. Cadmium (II) and nickel (II) biosorption by *Bacillus laterosporus* (MTCC 1628). *Journal of the Taiwan Institute of Chemical Engineers* 45: 1628-1635.

- Limcharoensuk, T., Sooksawat, N., Sumarnrote, A., Awutpet, T., Kruatrachue, M., Pokethitiyook, P. and Auesukaree, C., 2015.** Bioaccumulation and biosorption of Cd^{+2} and Zn^{+2} by bacteria isolated from a zinc mine in Thailand. *Ecotoxicology and Environmental Safety* 122:322-330.
- Mameri, N., Boudries, N., Addour, L., Belhocine, D., Lounici, H., Grib, H. and Pauss, A., 1999.** Batch zinc biosorption by a bacterial nonliving *Streptomyces rimosus* biomass. *Water Research* 33(6): 1347-1354.
- Masoumi, F., Khadivinia, E., Alidoust, L., Mansourinejad, Z., Shahryari, S., Safaei and M., Akbari Noghabi, K., 2016.** Nickel and lead biosorption by *Curtobacterium* sp. FM01, an indigenous bacterium isolated from farmland soils of northeast Iran. *Journal of Environmental Chemical Engineering* 4(1): 950-957.
- Mejáre, M. and Bülow, L., 2001.** Metal-binding proteins and peptides in bioremediation and phytoremediation of heavy metals. *Trends in Biotechnology* 19(2): 67-73.
- Mishra, B., Boyanov, M., Bunker, B. A., Kelly, S.D., Kemner, K.M. and Fein, J. B., 2010.** High- and low-affinity binding sites for Cd on the bacterial cell walls of *Bacillus subtilis* and *Shewanella oneidensis*. *Geochimistry Cosmochimistry Acta*(74): 4219-4233.
- Moselhy, K. M., Shaaban, M. T., Ibrahim, H. A. and Abdel-Mongy, A. S., 2013.** Biosorption of cadmium by the multiple-metal resistant marine bacterium *Alteromonas macleodii* ASC1 isolated from Hurgada harbour, Red Sea. *Archives Des Sciences* 66(2).
- Mulligan, C. N., Yong, R. N. and Gibbs, B. F., 2001.** An evaluation of technologies for the heavy metal remediation of dredged sediments. *Journal Hazard Material* 85: 145-163.
- Nomanbhay, S. M. and Palanisamy, K., 2005.** Removal of heavy metal from industrial wastewater using chitosan coated oil palm shell charcoal. *Electronic Journal of Biotechnology* (8): 43-53.
- Rajesh, V., Kumar, A. S. K. and Rajesh, N., 2014.** Biosorption of cadmium using a novel bacterium isolated from an electronic industry effluent. *Chemical Engineering Journal* 235: 176-185.
- Sánchez-Porro, C., Martin, S., Mellado, E. and Ventosa, A. 2003.** Diversity of moderately halophilic bacteria producing extracellular hydrolytic enzymes. *Journal of Applied Microbiology* 94(2): 295-300.
- Srivastava, V. C., Mall, I. D. and Mishra, I. M., 2009.** Competitive adsorption of cadmium (II) and nickel (II) metal ions from aqueous solution onto rice husk ash. *Chemical Engineering and Processing: Process Intensification* 48(1): 370-379.
- Tabaraki, R., Ahmady-Asbchin, S. and Abdi, O., 2013.** Biosorption of Zn(II) from aqueous solutions by *Acinetobacter* sp. isolated from petroleum spilled soil. *Journal of Environmental Chemical Engineering* 1: 604-608.
- Volesky, B., 2001.** Detoxification of metal-bearing effluents: biosorption for the next century. *Hydrometallurgy* 59(2): 203-216.
- Wang, J. and Chen, C., 2006.** Biosorption of heavy metals by *Saccharomyces cerevisiae*: a review. *Biotechnology Advances* 24(5): 427-451
- Wang, J. and Chen, C., 2009.** Biosorbents for heavy metals removal and their future. *Biotechnology Advances* 27(2): 195-226.
- Zhou, W., Wang, J., Shen, B., Hou, W. and Zhang, Y., 2009.** Biosorption of copper (II) and cadmium (II) by a novel exopolysaccharide secreted from deep-sea mesophilic bacterium. *Colloids and Surfaces B: Biointerfaces* 72(2): 295-302.

